



وقتی سیاهی لشکر بهره کار را می برد/ چرا فرهنگ کار جمعی نداریم

استاد دانشگاه تبریز گفت: اگر افراد ببینند در یک کار جمعی سهمشان متعارف است طبیعی است که ترجیح دهند جمعی کارکنند. اما گاهی بهره کار نصیب کسانی می شود که صرفاً سیاهی لشکر هستند.

استاد دانشگاه تبریز گفت: اگر افراد ببینند در یک کار جمعی سهمشان متعارف است طبیعی است که ترجیح دهند جمعی کارکنند. اما گاهی بهره کار نصیب کسانی می شود که صرفاً سیاهی لشکر هستند.

دکتر حسن فتحی استاد فلسفه دانشگاه تبریز در مورد دلایل اینکه ما ایرانی‌ها فرد محور هستیم و فرهنگ کار جمعی نداریم به خبرنگار مهر گفت: از جمله دلایل فقدان یا کم بودن روحیه و همینطور مصادیق کارهای جمعی در وهله اول نبود برنامه ریزی کلان و مشخص شده حوزه‌های کاری خردتر و خردتر است که در آن صورت کارهای گروها و افراد مختلف در ارتباط با یکدیگر قابل تشخیص برای تعداد زیادی خواهد شد.

وی افزود: بنابراین این امکان پیش خواهد آمد که بگوییم گوشه‌ای از کار را ما و گوشه‌ای دیگر را دیگران عهده دار شوند. پس اگر یک برنامه‌ریزی فراگیر که کارهای عامتر سپس با عمومیت کمتر در آنجا دیده بشود در کار باشد اگر هرکسی هم گوشه‌ای از کار را عهده دار باشد در اصل یک کار جمعی است که این مسئله را در ایرانیان کمتر می‌بینیم.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز اظهارداشت: برای مثال به جای اینکه همه اهل قلم در یک برنامه ریزی کلان هرکدام بخشی از کارهای ترجمه‌ای، تألیفی و پژوهشی را بر عهده بگیرند هرکسی برای خودش در جایی مشغول است و حاصل آن آثار تکراری و غفلت دربرخی از حوزه‌هاست.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: دلیل دیگر اختلاف سلیقه‌هاست. اینکه برای سهیم شدن با مخاطبان و شرکایمان تمرین نکرده‌ایم. اینکه آنچه که داریم بخشی را سهم خودمان در نظر بگیریم و به آنچه که آنها می‌آورند یا سلیقه آنهاست به عنوان بخشی دیگر احترام بگذاریم البته این سهیم شدن تمرین می‌خواهد.

فتحی یادآورشد: از دلایل دیگر عدم تقارن‌هاست. به این معنی که اگر افراد ببینند در یک کار جمعی سهمشان متعارف است طبیعی است که ترجیح دهند جمعی کارکنند. گاهی برخی نارساییها در انتخاب و یا نقش‌ها در سازمان‌ها و یا گسیختگی در حلقات ارتباطی مراحل مختلف یک کار باعث می‌شود آنچه به ظاهر به عنوان کار جمعی است یک یا چند نفر پیش برنده باشند و دیگران سیاهی لشکر باشند و چه از آن جهت که زحمت را معدودی می‌کشند و دیگران شریک اسمی هستند و بهره می‌برند. اگر در یک کار جمعی هرکس سهم خود را عادلانه ایفا کند کار جمعی به نتیجه می‌رسد و رواج پیدا می‌کند.

فتحی ادامه داد: در این صورت دیگران هم تشویق می‌شوند که در کارهای جمعی مشارکت کنند. البته داشتن یک چشم انداز بلند مدت از نظر زمانی طولی و نه آنچه در برنامه ریزی گفتم عرضی در زمان، در کار باشد اینکه تحقق این برنامه بلند مدت کار یک فرد نیست و یک طرف دیدن اینکه برنامه مشخص است جمع می‌تواند متوالیاً ایفای نقش کند در رونق و رواج کار جمعی مؤثر می‌شود.

وی درمورد اثرات و تبعات عدم فرهنگ جمعی یادآورشد: یک دست صدا ندارد و اینکه توان یک فرد محدود است و بعضی از کارها از دست یک نفر بر نمی‌آید. اگر هم بر آید اگر همه متفق القول باشند از تکرار کارها جلوگیری می‌شود. زبان کارهای فردی تک رو از جهات مختلف زیاد است.